

جنبش کشورهای غیرمتعهد

"NONALIGNED COUNTRIES MOVEMENT"

نوشته: سیروس غفاریان

وجودی آن، از اولین کنفرانس آن‌ها در ۱۹۶۱ در شهر بلگراد، فاصله گرفتن از بلوک‌های قدرت یعنی آمریکا و اتحاد شوروی سابق بود. اما بلوک دوم که شوروی و اقمارش بود عملاً و به طور رسمی در ابتدای دهه ۹۰م دچار فروپاشی شد. به همین علت از آن تاریخ به بعد هدف و اصول کشورهای غیرمتعهد تغییر کرد و حتی بحث بر سر آن بود که دنبال نام جدیدی به جای واژه «غیرمتعهد» باشند. در خلال آخرین کنفرانس غیرمتعهدها که در ۱۹۹۸م در دوربان آفریقای جنوبی تشکیل شد، کلیه کشورهای عضو، موضوع فاصله گرفتن از بلوک‌های نظامی را به طور کلی از دستور جلسات خود خارج کردند و بحث پیرامون بر کردن شکاف بین کشورهای شمال و جنوب و به عبارت دیگر از بین بردن فاصله بین ممالک غنی و فقیر به صورت مسئله‌ای درآمد که بخش اعظم وقت کنفرانس را به خود اختصاص داد.

تشکیل کنفرانس‌های متعدد، آفریقایی-آسیایی (آفرو-آسیاگرایی) زمینه ساز گردهم‌آیی باندونگ
 مبنای ایجاد جنبش غیرمتعهدها، کنفرانس‌های متعدد «آفرو-آسیایی» به ویژه کنفرانس عالی باندونگ بود. جنبش «آفرو-آسیایی» "Afro-Asian" یک ضرورت عینی بود. زیرا همه ملل آسیایی آفریقایی با آن‌که از نژادهای گوناگون بودند، ولی در یک زمینه وجه اشتراک داشتند و آن هم مبارزه با هرگونه استعمار بود. زیرا «آفریقا-آسیاگرایی» "Afro-Asianism" به عنوان ایدئولوژی و مکتب

در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی، و در شرایطی که جنگ سرد گسترش یافته بود، کشورهای آسیایی-آفریقایی که برای رهایی از هرگونه استعمار، مجاهدت‌ها کرده بودند، تصمیم گرفتند تا در قالب تشکیل کنفرانس‌های متعدد آسیایی-آفریقایی به کوشش‌های خود سمت و سوی واحد و یا نزدیک به هم دیگر بدهند. از جانب دیگر، این کشورها که به «دنیای سوم» مشهور بودند، هر کدام برای رهایی از فشارهای سیاسی-اقتصادی دو گول نظامی، یعنی روسیه شوروی و کشورهای غربی به رهبری آمریکا، راه حل‌های متفاوتی ارائه می‌دادند. برای پی بردن هرچه بیشتر به پدیده سیاسی بزرگی تحت عنوان «جنبش کشورهای غیرمتعهد» که بخش عظیمی از کشورهای آسیایی-آفریقایی و امریکای لاتین را در حال حاضر دربرمی‌گیرد، به سابقه تولد این پدیده از زمان تشکیل کنفرانس‌های متعدد آسیایی-آفریقایی نگاهی می‌اندازیم. سپس به ارائه تعریف «جهان سوم» در «کنفرانس باندونگ» که درحقیقت بزرگ‌ترین گردهم‌آیی نمایندگان آسیایی-آفریقایی تا ۱۹۵۵م بود، می‌پردازیم. خواهیم دید که از درون این کنفرانس بود که تعدادی از این کشورها زیر نام «غیرمتعهد» راه خود را از سایر کشورهای آسیایی-آفریقایی جدا کردند و جنبش آن‌ها طوری گسترش یافت که حتی در ابتدای شکل‌گیری آن، یک کشور اروپایی چون یوگسلاوی را دربرگرفت و اکنون اکثر کشورهای امریکای لاتین را نیز در حوزه خود قرار داده است. اما از این نکته نباید غافل بود که جنبش غیرمتعهدها و فلسفه

سیاسی-اقتصادی، در همه کشورهای مستقل و از بند رسته یا در حال پیکار برای آزادی و استقلال در آن دو قاره بزرگ اما فقیر، مطرح بود. آفریقا-آسیاگرایی، هم داستانی و هم کوشی واحدهایی در درون یک مجموع، یک کل و یک واحد عظیم دو قاره ای در شرف تجلی بود و توسط اقتصاددانان بزرگ لقب «جهان سوم» را به خود اختصاص داد. پس از پایان جنگ جهانی دوم هنگامی که اصطلاح جهان سوم توسط «آلفرد سووی» "Alfred Sowie" اقتصاددان و آمارشناس فرانسوی به کار برده شد، نامی شد برای دنیای استعمارزده، فقیر و ناتوان که در برابر دو غول صنعتی، سیاسی و نظامی شرق و غرب قرار داشت. در این میان به زودی واژه ها و اصطلاحات مترادفی برای این نام پذیرفته و رایج شد. مانند کشورهای عقب افتاده، توسعه نیافته، در حال توسعه و بعد از پایان جنگ عالم گیر دوم «آفریقا-آسیا» با همه مسائل و دشواری های گوناگونش، مظهر جهان سوم شناخته شد. البته جهان سوم به مفهوم اقتصادی آن یعنی کشورهای در حال رشد که امروز در حدود نیمی از خاک و جمعیت کره زمین را شامل می شود، منحصر به دو قاره آسیا و آفریقا نیست بل که تقریباً سراسر امریکای لاتین و حتی کشورهای از اروپا را در بر می گیرد. چرا که اقلیت هایی از توده های مهاجرین جویای کار در دل جهان صنعتی را شامل می شود که در حقیقت سفیران بی کاری و گرسنگی کشورهای توسعه نیافته، از قاره های مختلف، در کشورهای ثروت مند هستند.

کنفرانس آفریقا-آسیایی دهلی نو (۲۲ مارس تا ۲ آوریل ۱۹۴۷م)

نخستین کنفرانس «آفریقا-آسیایی» برای بررسی مسائل آسیایی-آفریقایی، پس از جنگ کم تر از پنج ماه پیش از اعلام استقلال هندوستان تشکیل شد. از آفریقا فقط دولت مصر نماینده ای به این اجلاس فرستاده بود. از این جهت بیشتر مسائل مربوط به آسیا در آن مطرح شد و حتی نام کنفرانس به «کنفرانس روابط آسیایی» "Asian Relation Conference" تغییر کرد. جواهر لعل نهرو در سخن رانی افتتاحیه خود اعلام داشت که هدف کنفرانس: «نزدیک کردن رهبران آسیا به یک دیگر برای یک برنامه مشترک است.» با آن که فقط نماینده مصر از آفریقا به عنوان «نماد» اتحاد «آفریقا-آسیایی» در کنفرانس حضور یافته بود، در این اجلاس مطالب

کلی و اساسی آفریقا-آسیاگرایی در دستور کار اجلاس قرار گرفت و در قطع نامه پایانی به ضرورت پایان دادن به امپریالیسم و هم کوشی برای پیش رفت و بهزیستی ملت های آسیایی و آفریقایی تأکید کرد.

دومین کنفرانس دهلی نو (۲۳-۲۰ ژانویه ۱۹۴۹م)

در این اجلاس، نمایندگان بیشتر دولت های آسیایی به دهلی نو آمدند و از آفریقا هم نمایندگان حبشه (اتیوپی) و مصر حضور داشتند. در قطع نامه پایانی این گردهم آیی، نهرو نخست وزیر هند از مجاهدات مردم اندونزی در راه استقلال و هم چنین تحکیم آن پشتیبانی کرد. بعد از پایان این کنفرانس بود که جواهر لعل نهرو نخست وزیر هند در مورد آسیاگرایی، گفت: «آسیا قاره وسیعی است و هنگامی که از احساسات آسیایی سخن می گوئیم من به درستی معنای آن را در نمی یابم، زیرا ما بسیار متفاوت هستیم. کشورهای بزرگی مانند چین، ژاپن، هند، اندونزی و برمه یا کشورهای خاورمیانه و نزدیک هریک فرهنگ و سنت هایی کهن با گذشته تاریخی عظیم و تجربه ای وسیع دارند. دشوار است که بخواهیم آن ها را بدان سبب که از نظر جغرافیایی در یک منطقه هستند باهم جمع کنیم و نام «آسیا» بدان ها دهیم. با این وصف من فکر می کنم، هرچند تفاوت های بزرگی بین این کشورها وجود دارد، در مجموعه حاضر چیزی به مثابه یک احساس آسیایی وجود دارد و شاید این احساس و اکنش ۲۰۰ یا ۳۰۰ سال حضور اروپا در آسیاست.» پس به نظر جواهر لعل نهرو نخست وزیر فقید هند، آسیاگرایی در

درجه اول و اکنش حضور غرب در دنیای آسیایی است. استعمار اروپایی در قاره ای به این وسعت، که چنان تنوعی از نژادها، ادیان، زبان ها و تمدن ها دارد تشکیل یافته و منجر به پیدایی احساس تعلق به جامعه ای شده است که در آن کوشش های همه باید برای کسب حقوق سیاسی مشترک (به علت وارد شدن مصائب مشترک بر این ملت ها در نتیجه تسلط استعمار اروپایی)، صرف شود.

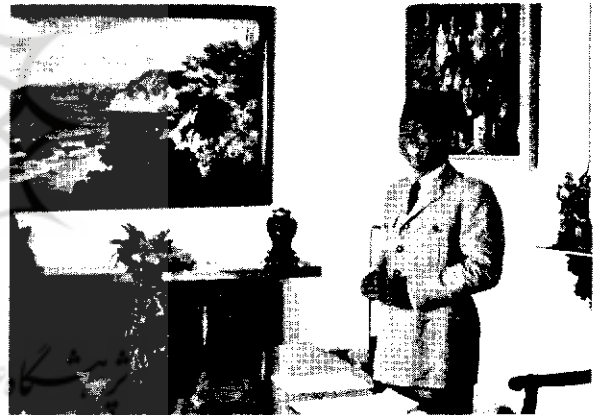


جواهر لعل نهرو

کنفرانس کلمبو تدارک کننده گردهم آیی باندونگ

در روز ۵ / آوریل / ۱۹۵۴م رؤسای حکومت های برمه (بیرمانی)، سیلان، هند، اندونزی و پاکستان در کلمبو اجتماع کردند. در مجمع کلمبو، مطالب مهم آفریقا-آسیاگرایی، یک بار دیگر مطرح

شدند. این مطالب عبارت بودند از: ناپوستگی (بی طرفی) (Neturalism) (nonalignment)، محکومیت آزمایش های هسته ای، محکومیت استعمار، پذیرفتن چین کمونیست در سازمان ملل متحد. «دکتر ساسترامی جوجو» (Dr- sastramijojo) نخست وزیر اندونزی از جانب دکتر احمد سوکارنو رئیس جمهور اندونزی، اظهار داشت که مسائل مزبور بایستی در وسعتی بیشتر و با وزنه ای سنگین تر مورد بحث و سنجش قرار گیرند و بجاست تا کنفرانس عالی از ملل افریقایی- آسیایی برپا شود و مقرر شد که در باندونگ اندونزی چنین جلسه ای تشکیل شود. بعد از کنفرانس کلمبو بود که «چوئن لای» و «جواهر لعل نهرو» نخست وزیران چین و هند در ۲۸ / ژوئن / ۱۹۵۴ م طی یک بیانیه مشترک اعلام داشتند «اصل پانچ شیل» (Panch- shila) که از جانب نهرو پیشنهاد شده بود در مناسبات «آفرو- آسیایی» مورد نظر قرار گیرد. این اصول عبارت بودند از ۱- احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت دولت ها. ۲- عدم تجاوز متقابل. ۳- عدم دخالت در امور داخلی یک دیگر. ۴- برابری و مزایای متقابل. ۵- هم زیستی مسالمت آمیز.



سوکارنو رئیس جمهور اندونزی

قبل از تشکیل کنفرانس باندونگ، پاره ای از اصولی که بایستی درباره آن ها تعریف قابل قبولی ارائه داد، توسط نمایندگان کشورهای آسیایی- افریقایی در کنفرانس «بوگور» (Bogor) اندونزی در (۲۸- ۲۹ دسامبر ۱۹۵۴) مطرح و درباره آن ها توافق شد تا در کنفرانس باندونگ، موضوعات تعریف شده مورد استفاده قرار گیرد. درباره تعریف جنبش آفرو- آسیاگرایی چنین توافق شد که: «جنبش افریقایی- آسیاگرایی» عبارت است از یک جنبش سیاسی وسیع در امتداد مبارزه ضد استعماری که می خواهد استقلال تازه دولت های افریقایی و آسیایی را از راه بی طرفی تحکیم بخشد. دولت هایی که در چهارچوب کنفرانس ها یا سازمان های بین المللی به منظور انطباق خواست های خود از دولت های غنی و تحمیل حضور خویش در صحنه بین المللی

با یک دیگر متحد شده اند، در دو قاره آسیا و افریقا بر چهار موضوع مهم سیاسی- اقتصادی زیر همواره تأکید خواهند داشت.

۱- ضد استعماری بودن. ۲- بی طرفی. ۳- توسعه اقتصادی. ۴- برابری نژادی و تحکیم صلح و امنیت بین المللی. هدف کلی کنفرانس های آفرو- آسیاگرایی، علاوه بر نفی هرگونه استعمار، آزادی ممالک این دو قاره از هرگونه تحقیر نیز بوده است. مفهوم بی طرفی (نوترالیزم) یا ناپوستگی و عدم تعهد عبارت است از احتراز از پیوستن به گروه بندی ها و اتحادیه های نظامی دو بلوک شرق و غرب. بی طرفی یا سیاست ناپوستگی نیز، که از جانب بیشتر کشورهای آزاد شده افریقا و آسیا پذیرفته شده است، خود در پی سه هدف می باشد: ۱- پیشنهاد یک سیاست خارجی اصیل و عملی به دولت های افریقا و آسیا که به آن ها امکان دهد در سیاست بین المللی نقشی به عهده گیرند که هنوز اتخاذ آن برای آنان دشوار است. ۲- استوار ساختن استقلال سیاسی و اقتصادی آن ها یا منع آن ها از شرکت در بلوک های نظامی یا قبول پایگاه های نظامی در خاک خود. ۳- میسر ساختن برقراری مناسبات اقتصادی و فرهنگی با همه کشورهای جهان بر پایه برابری و ضمناً تأکید بر این که در عین حال کشورهای بی طرف (غیر متعهد) می توانند از دو بلوک شرق و غرب کمک های مالی دریافت دارند.

کنفرانس آسیایی- افریقایی باندونگ (۲۴- ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ م) Bandung Conference of Asian African Nations

درباره اهمیت کنفرانس باندونگ همین بس که «Leopold- s- senghor» «لئوپولدسدار سنگور» نویسنده، شاعر و سیاست مدار افریقایی که بعداً به عنوان رئیس جمهور سنگال برگزیده شد، اظهار داشت که گردهم آیی باندونگ بزرگ ترین حادثه تاریخی پس از «رنسانس» است. تا آن زمان کسی با یک نهاد بین المللی نتوانسته بود که ۲۹ کشور آسیایی- افریقایی را در سطح رؤسا، نخست وزیران و وزیران خارجه آن کشورها دور یک میز بنشاند.

در ۱۷ / آوریل / ۱۹۵۵ م قبل از گشایش رسمی کنفرانس، نمایندگان شرکت کننده، دستور کار و آئین نامه داخلی کنفرانس را دریافت کردند و بالاخره تصمیم گرفته شد که رئیس کنفرانس، نخست وزیر اندونزی باشد و کنفرانس در ۱۸ / آوریل / ۱۹۵۵ م با سخن رانی دکتر سوکارنو افتتاح شد. کنفرانس ۲۹ کشور را در برمی گرفت که از بین آن ها شش کشور افریقایی و ۲۳ کشور آسیایی بودند. اکثر دولت های شرکت کننده در باندونگ به طور مستقیم یا غیرمستقیم به قدرت های استعماری وابستگی داشتند و از ایالات متحده امریکا کمک مالی و نظامی دریافت می کردند. کنفرانس در بالاترین سطح سیاسی قرار داشت. ریاست هفده هیئت نمایندگی را نخست وزیران بر عهده داشتند. عده ای از کشورها نیز وزرای خارجه



جمال عبدالناصر، سوکارنو و چوئن لای

خویش را به این اجلاس گسیل داشته بودند. سه شاهزاده به ترتیب هیئت های نمایندگی، عربستان سعودی، تایلند و یمن را رهبری می کردند و بالاخره پادشاه سابق کامبوج نمایندگی کشورش را برعهده داشت. ریاست هیئت نمایندگی پاره ای از کشورها را نیز رؤسای جمهور آن کشورها برعهده داشتند. نمایندگان الجزایر، قبرس، مراکش، فلسطین، تونس به علت آن که کشورهایشان درگیر جنگ های استقلال بودند، به عنوان ناظر شرکت کرده بودند. بعد از اینکه در ۱۸/آوریل/۱۹۵۵م دکتر احمد

سوکارنو نظق افتتاحیه خویش را ایراد کرد در حاشیه کنفرانس ملاقات هایی بین «سوکارنو»، «چوئن لای»، «جمال عبدالناصر» و «نهر» صورت گرفت که بسیار سرنوشت ساز بود، زیرا درحقیقت خط مشی «نهر»، «ناصر» و «سوکارنو» بود که کنفرانس را تحت الشعاع خود قرار داد. به طور کلی، شرکت کنندگان در این گردهم آیی به سه دسته به شرح زیر تقسیم می شدند:

۱- ضد کمونیست ها و طرف داران الحاق به بلوک ها و پیمان های نظامی منطقه ای که همگی مدافع بلوک غرب بودند مانند فیلیپین، ژاپن، ویتنام جنوبی، لائوس، تایلند، ترکیه، پاکستان، اتیوپی، لبنان، لیبی، لیبیا، عراق و چند کشور دیگر.

۲- بی طرف ها و هواداران «پنج سیلا» مانند افغانستان، برمه، مصر، هندوستان، اندونزی و سوریه. توضیح این که دولت های بی طرف سعی داشتند که کشورهای طرفدار الحاق به بلوک ها را به بی طرفی سوق دهند ولی نمایندگان کشورهای ضد کمونیست که به پیمان های نظامی منطقه ای پیوسته بودند مانند پاکستان و ترکیه از شوروی به عنوان استعمار ایدئولوژیک یاد می کردند و استدلال می کردند که برای حفظ تمامیت ارضی خود در برابر تجاوز بلوک شوروی مجبورند کشورشان را به یکی از بلوک های نظامی پیوند دهند.

۳- کمونیست ها مانند چین و ویتنام شمالی

گفت و گو بین ضد کمونیست ها و هواداران کمونیست ها تا اوایل آوریل ۱۹۵۵م طول کشید و به سازشی که «کریشنا منون» (عضو هیئت نمایندگی هند) طرح آن را ارائه داد، پایان یافت. به جای محکوم کردن استعمار در تمام شکل های آن، استعمار در تمام مظاهر آن محکوم شد. این فرمول قهراً باید همه را راضی می کرد و گرنه کنفرانس به هم می خورد. برای ناپیوستگان به بلوک ها و برای کمونیست ها جز یک استعمار وجود نداشت و آن هم استعمار غربی بود. دومین موضوع مهم کنفرانس، سیاست بی طرفی و ناپیوستگی بود. به نظر دولت های ناپیوسته (غیر متعهد) که هسته اصلی کنفرانس را تشکیل می دادند، آسیایی- افریقایی ها یک رسالت مهم برعهده داشتند و آن عبارت بود از: موضع گرفتن میان دو بلوک متخاصم به منظور پیش بردن امر صلح با قبول «پنج سیلا» به عنوان مبنای عمل. در نظر دولت های پیوسته و آن هایی که بلوک بندی های نظامی را قبول کرده بودند، هم زیستی حیلہ بزرگی بود که ابداع آن برای

نقطه نظر های هیئت های نمایندگی و نتیجه کنفرانس باندونگ در این کنفرانس بیش از همه موضوعات، درباره استعمار، بی طرفی و توسعه اقتصادی بحث شد. نمایندگان سیلان و پاکستان در ضمن سخن رانی های خود به سودای جهاد ضد کمونیستی برخاستند. موضوعی که بیشتر از همه شگفت انگیز بود، آن که «چوئن لای» نخست وزیر جمهوری خلق چین تا حدی نقش آشتی دهنده بین پیوستگان (متعهدان) و ناپیوستگان (غیر متعهدها) را

و بالاخره پشتیبانی از مبارزات ملت الجزایر اعلامیه ای صادر کردند. از آن زمان تاکنون ۱۲ اجلاس از کشورهای غیرمتعهد به شرح زیر تشکیل شده است:

اجلاس اول: ۱۹۶۱	بلغراد (یوگسلاوی)
اجلاس دوم: ۱۹۶۴	قاهره (مصر)
اجلاس سوم: ۱۹۷۰	لوزاکا (زامبیا)
اجلاس چهارم: ۱۹۷۳	الجزیره (الجزایر)
اجلاس پنجم: ۱۹۷۶	کلمبو (سریلانکا)
اجلاس ششم: ۱۹۷۹	هاوانا (کوبا)
اجلاس هفتم: ۱۹۸۳	دهلی نو (هندوستان)
اجلاس هشتم: ۱۹۸۵	هراره (زیمبابوه)
اجلاس نهم: ۱۹۸۹	بلغراد (یوگسلاوی)
اجلاس دهم: ۱۹۹۲	جاکارتا (اندونزی)
اجلاس یازدهم: ۱۹۹۵	کارتاهینا (کلمبیا)
اجلاس دوازدهم: ۱۹۹۸	دوربان (آفریقای جنوبی)

اولین کنفرانس سران غیرمتعهد (بلغراد ۱۹۶۱)

بعد از آن که در جریان کنفرانس «بریونی» جنبش غیرمتعهدها موجودیت خود را اعلام کرد، وزرای خارجه کشورهای غیرمتعهد در ژوئن ۱۹۶۱م در قاهره اجتماع کردند تا زمینه را برای تشکیل کنفرانس بلغراد فراهم آورند. بعد از اتخاذ تصمیم های لازم، کنفرانس بلغراد در سپتامبر ۱۹۶۱م به ریاست مارشال تیتو تشکیل شد. در این مجمع نمایندگان ۲۱ کشور شرکت کردند. ۱۸ کشور آسیایی - آفریقای (افغانستان، بیرمانی، کامبوج، سیلان، اتیوپی، غنا، گینه، هند، اندونزی، عراق، مالی، مراکش، نپال، عربستان سعودی، سومالی، سودان، جمهوری متحد عربی (مصر+ سوریه)، یمن، نماینده حکومت موقت الجزایر)، یک دولت اروپایی (یوگسلاوی) و یک دولت امریکایی (کوبا). از جانب برزیل نیز یک گروه ناظر شرکت کرده بود. در این اجلاس درباره تعریف «عدم تعهد» و «ناپیوستگی» گفت و گو و این نتیجه حاصل شد که اولین خصیصه سیاست ناپیوستگی تا حدی مبهم است و نمی توان تعریف جامعی از آن ارائه داد. تنها می توان گفت که درحقیقت کافی است که یک دولت پیوسته تمایل خود را به رهایی از یک اتحاد نظامی ابراز

میسر ساختن نفوذ بیشتر افکار خراب کارانه بود. این فقط به منزله شعاری بود برای تحکیم رژیم های کمونیستی که قدرت را در دست داشتند. تنها پیوستن به پیمان های جمعی بود که می توانست دولت های آفریقای - آسیایی را از ویران گری های کمونیست ها در امان دارد. در این هنگام نهر و نخست وزیر هند با نطق خود که اثر عمیقی در حاضران گذاشت پادر میان نهاد و گفت: «حقارت غیر قابل تحملی است که یک ملت آسیایی یا آفریقای خود را به سطح اقمار این گروه یا آن گروه تنزل دهد». سخنان نهر و تا اندازه ای طرف داران الحاق به گروه های نظامی منطقه ای را قانع کرد. با این حال فاضل جمالی نماینده عراق بر این نکته تأکید ورزید که دولت های آسیایی - آفریقای تا زمانی که بین خود یک بلوک سوم یا یک اتحاد نظامی خاص خویش، تشکیل ندهند، ناچارند به پیمان های امنیت جمعی متوسل شوند. بر اثر این سخن رانی و تضاد جدید، می رفت که کنفرانس به بن بست کشانده شود ولی «سرهنگ جمال عبدالناصر» رئیس جمهور مصر و ریاست هیئت نمایندگی آن کشور، فرمولی جهت آشتی بین طرف داران پیوستگی به بلوک های نظامی و سیاسی و طرف داران ناپیوستگی ارائه داد که در دو ماده قرائت شد و به نزاع طرفین خاتمه داد. فرمول جمال عبدالناصر به قرار زیر بود:

۱- احترام حق هر ملت برای دفاع فردی یا جمعی بر اساس منشور ملل متحد.

۲- خودداری از توسل به تنظیم دفاع جمعی که به تأمین منافع خاص قدرت های بزرگ، هر که باشد، خدمت کند. بیانیه نهایی کنفرانس با ذکر ۱۰ اصل باندونگ به این شرح پایان یافت.

۱- احترام به حقوق بشر ۲- احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی برای همه ملت ها ۳- تساوی نژادها و ملت ها ۴- عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر ۵- حق دفاع مشروع فردی و جمعی ۶- خودداری از پیوستن به اتحادیه های نظامی که برای خدمت به منافع قدرت های بزرگ صورت می گیرد و محکومیت هر گونه فشار ناشی از قدرت های بزرگ ۷- امتناع از به کار بردن زور ۸- حل مسالمت آمیز اختلاف ها ۹- تشویق هم کاری های بین المللی ۱۰- احترام به عدالت و تعهدات بین المللی

کنفرانس های غیرمتعهد از پایان کنفرانس باندونگ تاکنون

در ژوئیه ۱۹۵۶م سران کشورهای مصر، هند و یوگسلاوی یعنی جمال عبدالناصر، نهر و مارشال تیتو در جزیره «بریونی» متعلق به یوگسلاوی طی اجلاسی که به رهبری مارشال تیتو تشکیل شد ضمن تأیید اصول ده گانه کنفرانس باندونگ مقرر داشتند که از این پس کشورهایی که به هیچ یک از بلوک های نظامی وابستگی ندارند، در کنفرانس های بعدی شرکت کنند. ضمناً اعضای کنفرانس درباره منع آزمایشهای اتمی، کمک به کشورهای در حال رشد و وحدت آلمان

دارد و یا قصد خود را به پذیرفتن یک سیاست بی طرف بیان کند تا به عنوان ناپیوسته شناخته شود. اگر در باندونگ دولت های افریقایی-آسیایی به سه گروه پیوسته، ناپیوسته و کمونیست تقسیم شدند، در این اجلاس تقسیم بندی های جدیدی ظهور کرد: ۱- ناپیوسته های هواخواه غرب مانند عربستان سعودی، اتیوپی، هند، لبنان، نپال و سودان ۲- ناپیوسته های هواخواه کمونیسم مانند: کوبا، غنا، گینه، یوگسلاوی ۳- ناپیوسته های بی طرف مانند: افغانستان، الجزایر، اندونزی، مراکش، مصر، سومالی. در این کنفرانس گفته شد که بی طرفی کشورهای فنلاند، سوئد، اتریش، سوییس و غیره غیر از ناپیوستگی است زیرا دولت های این کشورها جنگ های رهایی بخش مردم کشورهای مستعمره را تأیید نمی کنند. این کنفرانس بدون اخذ نتایج مفید و درحالی به پایان رسید که هندوستان به علت اختلاف های مرزی با چین در گروه کشورهای ناپیوسته طرف دار غرب قرار گرفته بود.

دومین کنفرانس غیرمتعهد: (قاهره، ۱۹۶۴م)

کنفرانس قاهره به دنبال ملاقات سه جانبه نوامبر ۱۹۶۱م که با شرکت سه تن از اعضای برجسته غیرمتعهد یعنی عبدالناصر، تیتو و نهرو صورت گرفت، در ۵/اکتبر/۱۹۶۴م در قاهره تشکیل شد. این اجلاس از پنجم تا دهم اکتبر ۱۹۶۴م برپا بود و در آن ۱۴ دولت از آسیا نماینده داشتند: افغانستان، عربستان سعودی، بیرمانی، کامبوج، سیلان، هند، اندونزی، عراق، اردن، کویت، لبنان، نپال، سوریه و یمن. افریقا در مقابل، نمایندگان بیشتری متشکل از

۲۹ دولت داشت: الجزایر، آنگولا، بوروندی، کامرون، کنگوی برازویل، داهومی، اتیوپی، غنا، گینه، کنیا، لیبیا، لیبی، مالاوی، مالی، مراکش، موریتانی، نیجریه، اوگاندا، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، چاد، توگو، تونس، مصر، جمهوری افریقای مرکزی، تانزانیا و زامبیا. کوبا، یوگسلاوی و قبرس جزو ناپیوسته هایی بودند که به آسیا تعلق نداشتند. جمعاً ۴۷ دولت گردآمدند. باید افزود که ناظرانی از جانب آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، فنلاند، جامائیکا، مکزیک، توباگو، اوروگوئه، ونزوئلا و هم چنین نمایندگان از سازمان وحدت افریقا و اتحادیه عرب نیز در این اجلاس شرکت کردند. موضوعی که کنفرانس را به تشنج کشید آن بود که «قضیه موسی چومبه» نخست وزیر کنگو کینشازا پیش آمد. موسی چومبه که برای شرکت در کنفرانس به قاهره آمده بود و در هتل هلمپوپولیس در حومه قاهره اقامت کرده بود، به دستور جمال عبدالناصر توسط پلیس مصر بازداشت شد. مطبوعات قاهره بلافاصله جنایت های چومبه را در زمینه قتل لومومبا با تیر درشت نوشتند. به دنبال این قضیه مسائلی که در دستور کار کنفرانس قرار گرفته بود فراموش شد و عده ای از نمایندگان افریقایی به طرف داری از چومبه و عده ای مخالف او سخن رانی کردند. در جریان کنفرانس رهبران کشورهای ناپیوسته افریقا و آسیا بازداشت چومبه را تأیید یا آن را محکوم کردند و به راحتی از آن گذشتند ولی عده ای دیگر مسئله مصونیت سیاسی دیپلمات ها را به میان کشیدند و اظهار داشتند که از خلال این کنفرانس درک نوین منفی از مصونیت سیاسی به صورت یک احساس جا افتاده و سستی غلط برای همیشه در تاریخ کشورهای غیرمتعهد به یادگار ماند.

پس از این ماجرا نمایندگان کشورهای شرکت کننده به تدریج قاهره را ترک گفتند و با وساطت سازمان وحدت افریقا، موسی چومبه از زندان آزاد شد و به کشور خویش رفت. بعد از این شکست، احمدین بلار رئیس جمهور الجزایر در نظر داشت که کنفرانس به سبک باندونگ و در واقع اجلاسی در حد باندونگ دوم در ۲۹/ژوئن/۱۹۶۵م در الجزیره تشکیل دهد. حتی سالن کنفرانس را آماده و ۲۰ روز قبل از تشکیل اجلاس از محل آن بازدید کرد که ناگهان در ۱۹/ژوئن/۱۹۶۵م سرهنگ بومدین با کودتای خویش بن بلارا زندانی کرد و عملاً این کنفرانس علی رغم همه درخواست هایی که توسط عبدالعزیز بوتفلیقه وزیر خارجه الجزایر از کشورهای غیرمتعهد به عمل آمد هرگز در آن کشور تشکیل نشد. اما تلاش های دولت الجزایر برای دعوت از کشورهای غیرمتعهد برای تشکیل اجلاسی در الجزیره در اکتبر ۱۹۶۵م به این نتیجه رسید که پاره ای از دولت ها دعوت دولت الجزایر را قبول و سایرین رد کردند. از این جهت کنفرانسی نیم بند در الجزیره تشکیل شد که نمی توان آن را از زمره اجلاس های غیرمتعهدها شمرد.



احمدین بلار رئیس جمهور الجزایر

سومین اجلاس غیر متعهدها (لوزاکا، ۱۹۷۰م)

اجلاس سوم کشورهای غیر متعهد با همان اهداف قبلی که عبارت بودند از اتخاذ سیاست بی طرفی، محو استعمار و توسعه اقتصادی کشورهای افریقایی-آسیایی و جهان سوم در لوزاکا پایتخت زامبیا تشکیل شد ولی به سبب این که جنبش در این مقطع زمانی از کارایی چندانی بهره مند نبود، بدون نتیجه پایان یافت.

از چهارمین کنفرانس تا اجلاس دهلی نو

چهارمین اجلاس جنبش عدم تعهد با همان اهداف کلی و عمومی در ۱۹۷۳م تشکیل شد. پنجمین کنفرانس سران جنبش غیر متعهد در ۱۹۷۶م در کلمبو پایتخت سریلانکا تشکیل شد. در پایان این اجلاس ۳۲ قطع نامه مفصل در مورد موضوع های مختلف به تصویب رسید که البته بسیاری از این قطع نامه ها شامل موضوع های کلی بودند که در اجلاس های قبلی تکرار شده بود و ضمانت اجرایی نداشت. ششمین کنفرانس غیر متعهدها هم زمان با انقلاب اسلامی ایران در کوبا تشکیل شد و دولت جمهوری اسلامی ایران در ۱۹۸۱م به عنوان هشتاد و هشتمین عضو این جنبش پذیرفته شد و فعالیت خود را از اجلاس هفتم که در دهلی نو گشایش یافت، آغاز کرد. لازم به یادآوری است که کنفرانس هفتم غیر متعهدها قرار بود که در سپتامبر ۱۹۸۲م در بغداد تشکیل شود ولی به دنبال فعالیت های سیاسی ایران، این کنفرانس در مارس ۱۹۸۳م در دهلی نو تشکیل شد.

هفتمین کنفرانس غیر متعهدها «دهلی نو» (۷ تا ۱۱ / مارس / ۱۹۸۳م)

در این کنفرانس که با نطق خانم ایندیرا گاندی افتتاح شد نخست وزیر هند از میان مسائل عمده جهان سوم، سه مسئله را برگزید: ۱- مخالفت با افریقای جنوبی و نژادپرستی ۲- محکومیت ظلم و ستم اسرائیلی ها بر فلسطینی ها ۳- غیر نظامی شدن اقیانوس هند.

خانم گاندی ضمن نطق خود گفت که باید جنبش عدم تعهد به «بزرگ ترین جنبش صلح در تاریخ» تبدیل شود. در این اجلاس بود که مسئله شمال و جنوب و شکاف بین آن ها به خوبی تجزیه و تحلیل و در بیانیه نهایی گفته شد که: «جنبش عدم تعهد از نفوذ سیاسی قابل ملاحظه ای برای مقابله با بلوک های جهانی برخوردار نیست. قدرت های بزرگ، هم چون گذشته، تأثیر سیاسی خود را بر کشورهای جهان سوم اعمال می کنند. فقط در صورت ضعیف تر شدن بلوک های سیاسی موجود در جهان است که «عدم تعهد واقعی» امکان پذیر است.»

سرهنگ بومدین

از کنفرانس هراره ۱۹۸۵م تا اجلاسیه دوربان ۱۹۹۸م

هشتمین کنفرانس غیر متعهدها در ۱۹۸۵م در شهر هراره پایتخت زیمبابوه تشکیل شد ولی به سبب کثرت مسائل مربوط به افریقا به نتیجه دل خواهی نرسید. اما به رغم همه فراز و نشیب های گذشته جنبش عدم تعهد نهمین اجلاس خود را در حالی در بلگراد برگزار کرد که اروپای شرقی در سرایشی فروپاشی بود و واکنش منفی در برابر کمونیسم همه اروپا را فراگرفته بود. اما این اجلاس به موفقیت هایی نایل گردید از جمله محکومیت تجاوز هوایماهای امریکایی به لیبی، محکومیت ساقط کردن هوایمای مسافربری ایران توسط امریکا، محکومیت تروریسم دولتی و حمایت از قطع نامه ۵۹۸ و تقاضای برقراری آتش بس در افغانستان.

دهمین اجلاس نمایندگان کشورهای غیر متعهد در اول سپتامبر ۱۹۹۲م در جاکارتا پایتخت اندونزی گشایش یافت. مبارزه با فقر و بی سوادی، حمایت کامل از فلسطینی ها، محکومیت هر نوع درگیری قومی و نژادکشی به ویژه کشتار مردم بوسنی و هرزگوین در دستور کنفرانس بود و در قطع نامه پایانی درباره آن ها تذکره های مؤکدی داده شد. اجلاس «کارتاهیتا» در کلمبیا در ۱۹۹۵م به دنبال این مسئله بود که بعد از فروپاشی شوروی و کمونیسم در اروپا، جنبش غیر متعهدها بایستی در فکر تغییر نام باشد و در اصول و اهداف خویش تجدیدنظر کند و همواره در پی بهبود وضع اقتصادی ممالک عضو باشد تا دوری از دو قطب سیاسی نظامی، زیرا سه سال بود که یکی از قطب ها یعنی شوروی عملاً از صحنه قدرت جهان ابتدای دهه ۹۰ خارج شده بود. دولت های عضو در پی این مسئله بودند که



در برابر سیستم یک قطبی و یا دو قطبی اروپا و امریکا چه روشی را اتخاذ کنند. آخرین اجلاس کشورهای غیرمتعهد در حالی در «دوربان» افریقای جنوبی در ۱۹۹۸م تشکیل شد که دیگر از آپارتاید خبری نبود و چون پاره ای از مسائلی که در جلسات قبلی مطرح شده بود هم چنان لاینحل باقی مانده بود. پاره ای از کشورهای آسیایی در این اجلاس شرکت نکردند. بحران های اقتصادی و مالی که در پایان دهه ۹۰ به ویژه سال ۱۹۹۲م گریبان گیر کشورهای شرق آسیا بود باعث شد که یوسف حبیبی رئیس جمهور اندونزی در این اجلاس شرکت نکند و به جای خود علی عطاس را به دوربان بفرستد. علی عطاس هنگام سفر به دوربان گفت: «سفر رئیس جمهور به خارج از کشور برای او یک خلأ سیاسی در اندونزی به وجود می آورد و ایجاد این وضعیت در اوضاع فعلی و بحران کنونی به مصلحت کشور نیست».

از جانب دیگر ماهاتیر محمد نخست وزیر مالزی نیز برای رفتن به این اجلاس عذرهایی را عنوان کرد. حتی نواز شریف نخست وزیر پاکستان و شیخ حسینیه واجد نخست وزیر بنگلادش نیز در این اجلاس شرکت نکردند. این امر نشان می دهد که ۴۳ سال بعد از کنفرانس باندونگ جنبش کشورهای غیرمتعهد آن چنان به ضعف گراییده است که شاید از ابتدای قرن ۲۱ به بعد اصلاً تشکیل نشود.



نواز شریف نخست وزیر سابق پاکستان

نقاط ضعف جنبش غیر متعهدها از باندونگ تا کنون

۱- کشورهای که صد درصد خود را غیرمتعهد می دانستند به نحوی با یکی از بلوک های بزرگ نظامی هم پیمان شده بودند که نمونه آن را می توان ذکر کرد. جمال عبدالناصر بعد از قضیه کانال سوئز تحت عنوان دفاع مشروع، با روس ها پیمان نظامی منعقد کرد. در ۱۹۷۲م دولت های عراق و هندوستان با دولت اتحاد شوروی پیمان دفاع متقابل امضاء کردند.

۲- کشورهای جنوب که قسمتی از جنبش غیر متعهد را تشکیل می دهند جزئی از بازار سرمایه داری می باشند و بنابراین مجبور به رقابت با یک دیگر و تلاش برای نزدیکی بیشتر به اقتصاد غنی کشورهای پیش رفته هستند.

۳- اکثر کشورهای جهان سوم که عضویت غیرمتعهدها را دارند، در خط مشی اقتصادی بدون رعایت منافع سایر اعضا به طور مستقل عمل می کنند و این همان چیزی است که قدرت های صنعتی خواهان آنند.

۴- اگر به تاریخ این جنبش از کنفرانس باندونگ تا کنون نگاه کنیم، خواهیم دید که گرایش های بعضی از سران این جنبش به یکی از قطب های جهان باعث بحران های منطقه ای شده است.

۵- هم کاری و هم یاری بین دولت های غیرمتعهد به طور کلی از بین رفته است. تجاوز شوروی به افغانستان، بحران در کامبوج، بحران ایران و عراق، بحران های متعدد افریقایی که به نسل کشی های فجیع بدل شده است ناشی از این امر است که کشورهای غیرمتعهد در برابر این حوادث سکوت کرده و یا برای حفظ منافع خود به راحتی از کنار آن گذشته اند.

منابع:

۱. غالی- پطرس، جنبش افریقا- آسیایی، ترجمه دکتر فرج الله ناصری، انتشارات فرمند، تهران، ۱۳۴۹.
۲. هالیدی، فرد، غیر متعهدها، «توفیق ها و ناکامی ها» ترجمه ک- یگانه کتاب سال کیهان ۱۳۶۴.
۳. کورنون، ماریان، تاریخ معاصر افریقا از جنگ جهانی دوم تا امروز ترجمه دکتر ابراهیم صدقباحی، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر تهران، ۱۳۶۵.
۴. آرشو کیهان، موضوع غیرمتعهدها.
۵. فونتن، آندره، تاریخ جنگ سرد، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو ۱۳۶۶.
۶. آقایی، دکتر بهمن، فرهنگ سیاسی، نشر ویس، تهران، ۱۳۶۶.
۷. عبده، دکتر جلال، چهل سال در صحنه انتشارات رسا، جلد دوم، تهران، ۱۳۶۸.
۸. خاطرات دکتر جلال عبده در سال نامه های دنیا ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۸.